

مطالعه تطبیقی قاعده دررفتگی استخوان در فقه و حقوق موضوعه

محمدحسین شاکر^۱

حسینعلی بای^۲

چکیده

صدمات وارد بر استخوان‌ها گاه به صورت شکستگی استخوان، گاه به صورت کوبیدگی و خردشدن آن و گاه به صورت ترک برداشتن بروز و نمود می‌یابد. دررفتگی استخوان نیز از جمله صدمات وارد بر استخوان‌هاست که در مورد میزان دیه این صدمه اختلافات قابل توجهی میان فقهیان وجود دارد. در این موضوع، برخی از فقها حکم دررفتگی استخوان سر را به سایر استخوان‌های بدن نیز تسری داده‌اند و برخی دیگر با تمسک به روایت ظریف بن ناصح، برای دررفتگی هر یک از استخوان‌ها، دیه خاص و متمایزی از دیگر دررفتگی‌ها در نظر گرفته‌اند و برخی دیگر دیه این صدمه را در قالب یک قاعده بیان کرده و معتقدند که در دررفتگی استخوان، یک‌دوم دیه شکستگی آن ثابت است. مقنن نیز با توجه به این اختلافات رویه واحدی را در پیش نگرفته است. مقاله پیش رو با توجه به اهمیت این موضوع با روش کتابخانه‌ای و رویکرد توصیفی تحلیلی، ضمن مفهوم‌شناسی صدمه دررفتگی، به بررسی دیدگاه‌های فقهی، مدارک و مستندات آن‌ها و دیدگاه قانونگذار در این خصوص می‌پردازد و در پایان نیز پیشنهادهایی در راستای اصلاح موجود ارائه خواهد داد.

واژگان کلیدی

دیه استخوان، دیه دررفتگی، دررفتگی استخوان، جابجایی استخوان

۱. کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه قم، قم، ایران. (نویسنده مسؤول)

Email: mhshaker@chmail.ir

۲. مربی، عضو هیأت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم، ایران.

نوع مقاله: پژوهشی تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۴/۶ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۵/۱۰/۱۹

مقدمه

سالانه صدها هزار مورد صدمه و جرح عمدی یا غیر عمدی مستوجب دیه در کشور اتفاق می‌افتاد که حجم زیادی از پرونده‌های ورودی به قوه قضاییه را به خود اختصاص می‌دهد. هزاران مورد از صدمات و آسیب‌های وارده بر تمامیت جسمانی افراد مربوط به صدمات وارد بر استخوان‌هاست. این صدمات مطابق آنچه که در قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ آمده است، شامل کوبیدگی و خردشدن، شکستگی، ترک‌برداشتن، دررفتگی، موضعه و نافذه استخوان است، اما باید توجه داشت که صدمات وارد بر استخوان منحصر در موارد مذکور در قانون نبوده و بر اساس متون روایی از جمله روایت ظریف مواردی دیگر را نیز می‌توان یافت که در زمره صدمات استخوان محسوب شده و دارای دیه خاصی می‌باشند، با این حال از نظر قانونگذار دور مانده است.

یکی از آسیب‌های وارد بر استخوان نقل عظام یا جابجایی آن است که در این مورد نظر قانونگذار به روشنی و شفافیت بیان نشده است. ما در این نوشته با توجه به مورد ابتلابودن موضوع و وجود صدها و شاید هزاران پرونده در محاکم از یکسو و عدم شفافیت مواد قانونی از سوی دیگر، درصدد تبیین این موضوع هستیم. نه در کتب حقوقی و نه در مقالاتی که تاکنون به رشته تحریر درآمده است، به موضوع دیه صدمه دررفتگی استخوان، به نحوی که مباحث فقهی و حقوقی تجمیع شود، پرداخته نشده است، بلکه موضوع دیه سایر صدمات استخوان نیز مورد رغبت و توجه نویسندگان قرار نگرفته است که چه بسا این مسأله به صعوبت این موضوع برمی‌گردد. در تألیفات مربوط به قواعد فقهی نیز قواعد چندگانه مربوط به استخوان‌ها به رشته تحریر در نیامده است و حال آن که متوقع آن بود که این موضوعات - دست کم در این‌گونه تألیفات - به صورت خاص مورد توجه قرار

می‌گرفت. با این حال بحث دیه صدمات استخوان در کتاب فقهی جامع تمامی ابواب فقه در ذیل کتاب دیات مطرح شده است و علاوه بر آن در برخی تألیفات فقهی که در موضوع دیات نوشته شده است به موضوع دیه صدمات استخوان نیز اشاره شده است. برخی از فقها دیه صدمات را ذیل هر استخوان مطرح کرده‌اند و برخی در ضمن یک قاعده به بیان دیه صدمات پرداخته‌اند. در خصوص موضوع این نوشتار گروهی از ایشان، حکم به همسانی دیه استخوان‌های بدن با استخوان‌های سر داده‌اند و گروه دیگر برای هر استخوان دیه خاصی را در نظر گرفته و بسیاری از آن‌ها نیز در قالب قاعده‌ای دیه در رفتگی‌ها را بیان نموده‌اند. با توجه به این‌که دیه صدمات مربوط به سر و صورت به صورت مجزا در کتب فقهی با اسامی خاص مطرح شده، استخوان‌های سایر اعضا بدن غیر از سر و صورت در دامنه شمول این بررسی قرار خواهد گرفت، هر چند متقدمین از فقها (مفید، ۱۴۱۳ ق؛ سلار، ۱۴۰۴ ق؛ طوسی، ۱۴۰۰ ق؛ ابن ادریس، ۱۴۱۰ ق.) دیه این صدمه را در قالب قاعده‌ای، ۱۵ درصد دیه عضو دانسته‌اند، لکن عدم تبعیت سایر فقها از ایشان، نشان از عدم مقبولیت این قول دارد. وجود روایات صحیح‌السند که به بیان دیه صدمات مربوط به هر استخوان به صورت مجزی پرداخته را می‌توان دلیل همراهی نکردن از دیدگاه متقدمین دانست. از سوی دیگر در مرحله اجرای احکام در محاکم قضایی مطابق ماده ۱۳۶ قانون آیین دادرسی کیفری قضات مکلف به اخذ نظر پزشکی قانونی در خصوص صدمات جسمی وارد بر بدن که از جمله آن‌ها صدمات وارد بر استخوان بوده، می‌باشند.

آنچه مسلم است در خصوص صدمات دارای دیه معین، پزشکی قانونی تنها نوع صدمه را مشخص و قاضی مطابق مواد قانونی، دیه آن را تعیین می‌کند. رویه پزشکی قانونی در خصوص این‌گونه صدمات چنین است که تنها صدمه را مشخص

و با عبارت «سایر صدمات مشمول دیه مقدر است» تعیین میزان دیه را به قاضی واگذار می‌کند، اما در صدماتی که مطابق قانون دارای دیه معین نبوده پزشکی قانونی علاوه بر تعیین صدمه، نظر کارشناسی خود در مورد میزان ارش را به قاضی اعلام می‌کند.

این در حالی است که در روایات معصومین صدمه دررفتگی طرح و دیدگاه شرع مقدس در کتاب‌های فقهی بیان شده است. بر این اساس لازم است حکم شارع مقدس در این صدمه کشف و به بررسی انطباقی آن با رویه محاکم در صدور حکم به این صدمه از جمله بررسی قانون مجازات و رویه سازمان پزشکی قانونی پرداخته شود.

نگاشته حاضر با تشخیص یکی از نیازها تلاش نموده است راهکار آن را بر اساس دیدگاه شرع تبیین و زمینه تبدیل آن به قانون را فراهم نماید. در این نوشته ابتدا به بررسی واژگان مربوط به جابجایی استخوان پرداخته، سپس با بیان اقوال فقها به بررسی مستندات، ارزیابی آن‌ها و بیان قول برتر می‌پردازیم. در ادامه دیدگاه قانونگذار را در این خصوص بیان کرده و آن را مورد نقد قرار داده و پیشنهاداتی را جهت اصلاح قانون بیان خواهیم کرد و در پایان نیز با بررسی برخی ابهامات و مشکلات اجرایی، راه برون‌رفت از آن‌ها بیان خواهد شد.

الف - واژه‌شناسی

یکی از صدمات وارد بر استخوان جابجایی استخوان‌ها می‌باشد. در متون روایی و فقهی در بیان صدمه جابجایی استخوان، از واژه «نقل عظم» استفاده شده است. از این رو نخست به واژه‌شناسی لغوی نقل می‌پردازیم.

نقل در لغت به معنای حرکت چیزی از یک موضع به جای دیگر است. فراهیدی می‌نویسد: «النُّقْلُ: تحویل شیءِ إلی موضع؛ بردن شیء به موضعی» (فراهیدی، ۱۴۱۰ ق.). ابن منظور در این زمینه آورده است: «النُّقْلُ: تحویلُ الشیء من موضع إلی موضع؛ بردن شیء از یک موضع به موضع دیگر» (ابن منظور، ۱۴۱۴ ق.). از هر دو گفتار به روشنی گوهر معنایی جابجایی و انتقال دانسته می‌شود.

دومین واژه مطرح در این بحث، عظم است که به معنای استخوان می‌باشد. قرآن در بیان مراحل خلقت انسان به مرحله شکل‌گیری استخوان و رویش گوشت بر آن اشاره دارد: «فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظْمًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا؛ سپس آن پاره گوشت را تبدیل به استخوان کردیم و پس از آن بر استخوان‌ها گوشتی پوشاندیم» (مؤمنون: ۱۴) زمخشری در تبیین عظام می‌نویسد: «هی عمود خلقه الذی ینی علیه سائره؛ اسکلت انسان که دیگر اجزاء بر آن بنا نهاده شده است.» (زمخشری، ۱۳۸۶ ش.).

با توجه به معنای هر یک از دو واژه نقل و عظم، می‌توان گفت ترکیب این دو واژه بیانگر اصطلاح خاصی نیست، چراکه در غیر این صورت، تبیین آن در کتب لغت لازم بود، تأییدکننده این گفتار، قرارگرفتن نقل عظام به عنوان قسیم برای کسر عظام در روایات است. بر این اساس با توجه به متون لغت و سیاق روایات نقل عظام عبارت است از حرکت استخوان از جای خودش که این امر تنها در مفاصل یا قسمت انتهایی استخوان‌ها ممکن است.

نقل عظام یا جابجایی در اصطلاح پزشکی این‌گونه معرفی شده است: «حالتی است که سطوح مفصلی، تماس آناتومیکی طبیعی خود را با یکدیگر از دست می‌دهند، به اصطلاح، استخوان‌ها از مفصل خارج می‌شوند.» (نصیری زیبا، ۱۳۹۰ ش.).

بنابراین می‌توان گفت منظور از نقل عظام در متون روایی و فقهی همان صدمه دررفتگی^۲ در علم پزشکی می‌باشد.

در فقه بحث جابجایی استخوان به صورت‌های مختلفی بیان شده است. یک مرتبه جابجایی با فلج‌شدن عضو آمده که این موضوع با واژه «فک» بیان شده است. مرتبه دیگر بحث جابجایی به همراه شکستگی بیان شده و در قسمت دیگر تنها موضوع جابجایی استخوان ذکر شده است. مقنن در قانون مجازات مصوب ۱۳۹۲ برخلاف قانون مجازات قبل، برای تمام این موضوعات از واژه دررفتگی استفاده کرده است.

این نوشتار تنها به بررسی دیه صدمه جابجایی استخوان بدون در نظر گرفتن سایر حالات منتج یا جانبی دررفتگی مانند از کارافتادگی، فلج‌شدن، شکستگی یا سایر صدمات و عوارض می‌پردازد.

ب - نظریه‌های فقهی

دیدگاه‌های مطرح در حوزه دررفتگی استخوان را می‌توان به دو دسته، شامل دیدگاه مشهور متقدمین از فقها و دیدگاه مبتنی بر اصل ظریف تقسیم نمود. دیدگاه اخیر در دو قالب بیان شده و برخی به ذکر دیه دررفتگی استخوان‌ها به تفکیک پرداخته و برخی آن را به صورت قاعده‌مند بیان کرده‌اند.

۱- دیدگاه متقدمین

مشهور قدما از فقها دیه دررفتگی استخوان‌ها را به تناسب دیه دررفتگی سر مقرر داشته و بیان کرده‌اند: «فی نقل عظام الأعضاء مثل ما فی نقل عظام الرأس بحساب دية العضو؛ دیه دررفتگی استخوان اعضای بدن همانند دیه دررفتگی سر،

البته با لحاظ نسبت مذکور در سر به عضو دربردارنده استخوان محاسبه می‌شود.» (مفید، ۱۴۱۳ ق؛ سلار، ۱۴۰۴ ق؛ طوسی، ۱۴۰۰ ق؛ ابن ادریس، ۱۴۱۰ ق.) بنابراین با توجه به این که دیه ناقله سر از نگاه فقها ۱۵٪ (۱۵۰ دینار) دیه سر می‌باشد، دیه دررفتگی هر استخوان ۱۵٪ دیه قطع عضو دربردارنده استخوان تعیین می‌گردد. به عنوان مثال دیه دررفتگی استخوان بازو ۷۵ دینار خواهد بود، زیرا دیه قطع عضو دربردارنده آنکه دست باشد، ۵۰۰ دینار دارد.

۲- دیدگاه مبتنی بر اصل ظریف

اصل ظریف یا کتاب ظریف حدیثی مفصل و طولانی است که به بیان صدمات وارده بر بدن و جبران خسارت آن می‌پردازد که با توجه به طولانی بودن این حدیث از ذکر کامل آن خودداری و در قسمت مستندات اقوال، فقرات مربوطه ذکر خواهد شد. فقهایی که با توجه به این اصل به بیان دیه دررفتگی پرداخته‌اند، خود دو دسته‌اند: دسته‌ای از فقها به بیان موردی دیه دررفتگی هر استخوان و برخی به بیان دیه دررفتگی به صورت مطلق و قاعده‌مند پرداخته‌اند. در اینجا به بررسی اعتبار اصل ظریف پرداخته و آنگاه در قسمت مستندات به بیان فقرات مربوط می‌پردازیم.

ظریف پسر ناصح و معتقد به مذهب امامیه بود. (خویی، ۱۴۱۰ ق.) ظریف محضر امام محمد باقر (ع) را درک کرده است. (خویی، ۱۴۱۰ ق.) نجاشی در شرح حال او می‌گوید: در بیان حدیث ثقه و صادق بود. ظریف دارای کتاب‌هایی است که از جمله آن‌ها کتاب دیات است. (نجاشی، ۱۴۰۷ ق.) در توصیف ظریف، نجاشی و حلی می‌گویند: ظریف ثقه و در بیان حدیث صادق بود. (نجاشی، ۱۴۰۷ ق؛ طوسی، بی‌تا؛ حلی، ۱۳۸۱ ق.) اصل ظریف در جوامع روایی (کلینی، ۱۴۰۷ ق؛ طوسی، ۱۴۰۷ ق؛

صدوق، ۱۴۰۹ ق.) معتبر ذکر شده است. نقل این اصل در جوامع روایی معتبر حکایت از صحت سند و امکان استناد و عمل به این اصل دارد.

در اعتبار این اصل و امکان عمل بر اساس آن باید گفت که بسیاری از فقها (مفید، ۱۴۱۳ ق؛ سبزواری، ۱۴۱۳ ق؛ لنکرانی، ۱۴۱۸ ق؛ سلار، ۱۴۰۴ ق؛ طوسی، ۱۴۰۰ ق؛ ابن زهره، ۱۴۱۷ ق؛ کیدری، ۱۴۱۶ ق؛ محدث نوری، ۱۴۱۷ ق؛ محقق حلی، ۱۴۰۸ ق؛ مؤمن قمی، ۱۴۲۱ ق؛ کاشانی، ۱۴۰۸ ق؛ علامه حلی، ۱۴۱۳ ق؛ شهید اول، ۱۴۱۰ ق؛ تبریزی، ۱۴۲۸ ق؛ خوئی، ۱۴۲۲ ق؛ نجفی، ۱۴۰۴ ق.) اذعان به امکان استناد به آن برای اثبات حکم شرعی کرده‌اند. روایت ظریف در طرق مختلف و از روات گوناگون نقل شده است. مرحوم مجلسی در تأیید صحت این روایت و اعتبار آن می‌نگارد: «العمل علی ما فی کتاب ظریف، لصحته و إن حکم بعض الأصحاب بالضعف و الجهالة للجهالة؛ به کتاب ظریف به دلیل صحیح بودنش عمل می‌شود اگر چه برخی از اصحاب به دلیل جهل خود، حکم به ضعف آن و مجهول بودن داده‌اند.» (مجلسی اول، ۱۴۰۶ ق.)

ج - ادله و مستندات

۱- ادله دیدگاه متقدمین

قدما از فقها دلیل و مستندی برای حکم خود ارائه نداده‌اند. از فتوی ایشان چنین برمی‌آید که ایشان حکم دیه دررفتگی استخوان‌ها در غیر از سر و صورت را همانند دیه دررفتگی استخوان سر محاسبه کرده‌اند. در حقیقت نسبتی که در تعیین دیه دررفتگی استخوان سر وجود دارد را در تعیین دیه دررفتگی سایر استخوان‌های بدن نیز به کار برده‌اند.

۲- ادله دیدگاه مبتنی بر اصل ظریف

در مقابل، فقهای قمی، ۱۴۱۲ ق؛ خویی، ۱۴۲۲ ق؛ سبزواری، ۱۴۱۳ ق.) که دیه دررفتگی استخوان‌ها را به صورت مطلق و قاعده‌مند بیان کرده‌اند استناد به قسمتی از روایت ظریف در این خصوص کرده‌اند که مقرر می‌دارد: «فإن دية كلّ عظم كسر معلوم دیته، و نقل عظامه نصف دية كسره...؛ همانا دیه هر استخوانی که بشکند معلوم است و دیه دررفتگی استخوان نصف دیه شکستگی است.» (حر عاملی، ۱۴۰۹ ق.) این روایت حکمی را به صورت مطلق برای تمامی استخوان‌های بدن مقرر داشته است.

و اما فقهای که با استناد به اصل ظریف دیه صدمه دررفتگی را نسبت به هر استخوانی به صورت جداگانه و متمایز از دیه در رفتگی سایر استخوان‌ها تعیین کرده‌اند، به فقراتی و قسمت‌هایی از روایت ظریف پرداخته‌اند که در آن فقرات دیه دررفتگی استخوان‌ها بیان شده است. این اعضا و فقرات به ترتیب ذیل است:

۱-۲- **ترقوه:** «در ترقوه زمانی که بشکند و بهبودی کامل یابد ۴۰ دینار به عنوان دیه ثابت است... و اگر در ترقوه صدمه دررفتگی وارد آید، دیه این صدمه نصف دیه شکستن یعنی ۲۰ دینار می‌باشد.»^۳ (عاملی، ۱۴۰۹ ق.)

۲-۲- **دنده‌های محاذی قلب:** «دنده‌های محاذی قلب زمانی که یکی از آن‌ها بشکند دیه آن ۲۵ دینار... و دیه دررفتگی آن ۷/۵ دینار می‌باشد...»^۴ (عاملی، ۱۴۰۹ ق.)

۳-۲- **دنده‌های موازی بازو:** «دنده‌های محاذی بازوان، دیه شکستن هر دنده ۱۰ دینار... و دیه دررفتگی آن ۵ دینار می‌باشد...»^۵ (عاملی، ۱۴۰۹ ق.)

۴-۲- **شانه:** «دیه شانه اگر بشکند، یک‌پنجم دیه دست، یعنی صد دینار است... اگر استخوان شانه دچار دررفتگی شود، دیه‌اش صد و هفتاد و پنج دینار است؛

۱۰۰ دینار آن دیه شکسته شدن و ۵۰ دینار برای جابجایی استخوان‌ها و ۲۵ دینار برای صدمه موضعه...»^۶ (عاملی، ۱۴۰۹ ق.)

۵-۲- بازو: «بازو زمانی که بشکند و بهبود کامل و بدون عیب یابد دیه آن یک‌پنجم دیه دست یعنی ۱۰۰ دینار است... و دیه دررفتگی بازو نصف دیه شکستگی یعنی ۵۰ دینار می‌باشد...»^۷ (عاملی، ۱۴۰۹ ق.)

۶-۲- ساعد: «اگر هر دو استخوان ساعد بشکند و بهبود بدون عیب یابد، یک‌سوم دیه نفس، یعنی سیصد و سی و سه دینار و یک‌سوم یک دینار دیه دارد و اگر یکی از دو استخوان ساعد بشکند، دیه آن یک‌پنجم دیه دست، یعنی ۱۰۰ دینار می‌باشد... دیه دررفتگی یکصد دینار که همان یک‌پنجم دیه شکستگی بوده می‌باشد...»^۸ (عاملی، ۱۴۰۹ ق.)

۷-۲- آرنج: «در آرنج هر گاه بشکند و بهبود یابد بی‌عیب، دیه آن یک صد دینار است و این یک‌پنجم دیه دست است... و اگر استخوان جابجا گردد، دیه‌اش یک صد و هفتاد و پنج دینار است، (توضیحش آنکه:) برای شکستن استخوان ۱۰۰ دینار و برای جابجاشدنش ۵۰ دینار و برای بریدن گوشت تا به استخوان بیست و پنج دینار...»^۹ (عاملی، ۱۴۰۹ ق.)

۸-۲- کف دست: «در صورت شکستن کف دست و بهبودی کامل آن، ۴۰ دینار دیه ثابت است... و دیه دررفتگی ۲۰ دینار و نصف دینار است...»^{۱۰} (عاملی، ۱۴۰۹ ق.)

۹-۲- بند متصل به کف انگشت شست دست: «دیه شکستن با بهبودی کامل بند متصل به کف استخوان انگشت شست، یک‌پنجم دیه انگشت شست، یعنی سی و سه دینار و یک سوم دینار می‌باشد... و دیه دررفتگی آن شانزده دینار و دوسوم دینار می‌باشد...»^{۱۱} (عاملی، ۱۴۰۹ ق.)

- ۱۰-۲- بند ناخنی انگشت شست دست: «دیه بند بالایی انگشت شست زمانی که بشکند و بهبودی کامل یابد، ۱۶ دینار و دوسوم دینار است... و دیه دررفتگی آن ۵ دینار می باشد.»^{۱۲} (عاملی، ۱۴۰۹ ق.)
- ۱۱-۲- بند متصل به کف سایر انگشتان دست: «دیه شکستن هر کدام از بندهای انگشتان دست (منظور غیر از انگشت شست است) که متصل به کف دست بوده، ۱۶ دینار و دوسوم دینار... و دیه دررفتگی آن ۸ دینار و یکسوم دینار می باشد...»^{۱۳} (عاملی، ۱۴۰۹ ق.)
- ۱۲-۲- بند وسطی سایر انگشتان دست: «دیه شکستگی هر کدام از بندهای وسطی انگشتان دست غیر از انگشت شست، ۱۱ دینار و یکسوم دینار... و دیه دررفتگی آن‌ها ۵ دینار و یکسوم دینار می باشد...»^{۱۴} (عاملی، ۱۴۰۹ ق.)
- ۱۳-۲- بند ناخنی سایر انگشتان دست: «دیه شکستگی هر کدام از بندهای ناخنی انگشتان دست غیر از انگشت شست، ۵ دینار و چهارپنجم دینار... و دیه دررفتگی آن‌ها ۵ دینار و یکسوم دینار می باشد...»^{۱۵} (عاملی، ۱۴۰۹ ق.)
- ۱۴-۲- لگن: «دیه شکستن لگن با بهبودی کامل یک پنجم دیه پا می باشد... و دیه دررفتگی آن ۵۰ دینار، می باشد...»^{۱۶} (عاملی، ۱۴۰۹ ق.)
- ۱۵-۲- ران: «در ران زمانی که بشکند و بهبودی کامل یابد یک پنجم دیه پا، یعنی یکصد دینار به عنوان دیه ثابت است و اگر شکستگی بهبودی کامل نیابد دیه آن ۳۳۳ دینار و یکسوم دینار می باشد که همان یکسوم دیه نفس است... و دیه دررفتگی نصف دیه شکستگی، یعنی ۵۰ دینار می باشد...»^{۱۷} (عاملی، ۱۴۰۹ ق.)
- ۱۶-۲- کشکک: «در کشکک زمانی که بشکند و بهبودی کامل یابد یک پنجم دیه پا، یعنی ۱۰۰ دینار ثابت است... و دیه دررفتگی آن ۵۰ دینار می باشد...»^{۱۸} (عاملی، ۱۴۰۹ ق.)

۱۸-۲- ساق پا: «در ساق پا زمانی که بشکند و بهبودی کامل یابد یک پنجم دیه پا، یعنی ۱۰۰ دینار به عنوان دیه ثابت است... و دیه دررفتگی آن ۲۵ دینار می باشد.»^{۱۹} (عاملی، ۱۴۰۹ ق.)

۱۸-۲- کف پا: «در شکستگی کف پا که بهبودی کامل یابد یک پنجم دیه پا، یعنی ۱۰۰ دینار ثابت است... و دیه دررفتگی آن نصف دیه شکستن، یعنی ۵۰ دینار می باشد...»^{۲۰} (عاملی، ۱۴۰۹ ق.)

۱۹-۲- بند متصل به کف انگشت شست پا: «دیه شکستن بند شست پا که متصل به کف پا است یک پنجم دیه شست پا، یعنی ۶۶ دینار و دوسوم دینار و دیه دررفتگی آن ۲۶ دینار و دوسوم دینار می باشد...»^{۲۱} (عاملی، ۱۴۰۹ ق.)

۲۰-۲- بند ناخنی انگشت شست پا: «دیه بند بالای شست پا که ناخن روی آن قرار دارد ۱۶ دینار و دوسوم دینار... و دیه دررفتگی آن ۸ دینار و یک ششم دینار، می باشد...»^{۲۲} (عاملی، ۱۴۰۹ ق.)

۲۱-۲- بند متصل به کف سایر انگشتان پا: «دیه شکستن بند متصل به کف پا در انگشتان پا غیر از شست، ۱۶ دینار و دوسوم دینار... و دیه دررفتگی آن ۸ دینار و یک سوم دینار می باشد...»^{۲۳} (کلینی، ۱۴۰۷ ق.)

۲۲-۲- بند وسطی سایر انگشتان پا: «در بند وسط از انگشتان پا غیر از شست زمانی که بشکند ۱۱ دینار و دوسوم دینار... و دیه دررفتگی آن ۵ دینار و دوسوم دینار می باشد...»^{۲۴} (کلینی، ۱۴۰۷ ق.)

۲۳-۲- بند ناخنی سایر انگشتان پا: «بند ناخنی انگشتان دست غیر از انگشت شست، دیه شکستن آن ۵ دینار و چهار پنجم دینار... و دیه دررفتگی آن دودینار و یک پنجم دینار می باشد...»^{۲۵} (کلینی، ۱۴۰۷ ق.)

د - ارزیابی دیدگاه فقها

بیان شد که قدما مستندی برای قول خود ارائه نداده‌اند. با تتبع در متون روایی، مدرکی بر این قول یافت نشد. شاید از همین رو است که با بررسی و تحقیق به این نتیجه می‌رسیم که فقیهی از متأخرین و معاصرین که قائل به این قول باشد، یافت نمی‌شود. بنابراین با وجود روایت معتبر در تعیین دیه این صدمه، نمی‌توان تسری حکم دررفتگی استخوان سر به سایر استخوان‌های بدن را معتبر دانست.

نظر آن دسته از فقها که با توجه به اصل ظریف به بیان دیه دررفتگی پرداخته بودند را می‌توان همسو با دسته دیگر از فقها که دیه دررفتگی را در ضمن یک قاعده با مستند روایی بیان کرده دانست، چراکه با تطبیق روایت بیان‌کننده دیه دررفتگی به صورت قاعده با اصل ظریف درمی‌یابیم که دیه دررفتگی اکثر استخوان‌های مذکور در اصل ظریف، مطابق با قاعده مذکور در روایت بوده و برخی استخوان‌ها که مطابقت با قاعده نداشته را باید تخصیصی بر آن دانست و از تخصیص اکثری قاعده و قبح آن نیز مصون هستیم.

با بررسی فقرات مذکور از اصل ظریف در مورد دیه صدمه دررفتگی استخوان‌ها، به دو دسته استخوان برمی‌خوریم. دسته اول که بیش از نیمی از استخوان‌های مذکور در اصل ظریف را شامل می‌شود، استخوان‌هایی است که دیه دررفتگی آن‌ها نصف دیه شکستگی تعیین شده است. این استخوان‌ها عبارتند از: پشت یا ستون فقرات، ترقوه، دنده‌های غیر محاذی قلب، شانه، بازو، آرنج، بند متصل به کف انگشت شست دست، بند متصل به کف سایر انگشتان دست، باسن، ران، کشکک زانو، کف پا و بند ناخنی شست پا.

با بررسی اصل ظریف درمی‌یابیم که این اصل در تعیین دیه دررفتگی برخی استخوان‌ها علاوه بر تعیین مقدار، نسبت سنجی آن را با دیه شکستگی نیز انجام داده و در متن روایت دیه دررفتگی را نصف دیه شکستگی می‌داند. این استخوان‌ها عبارتند از:

- ترقوه

- بازو

- ران پا

- کف پا

گویا روایت نیز قصد بیان قاعده‌ای را دارد که اکثر استخوان‌های بدن را دربر می‌گیرد.

دسته دوم شامل استخوان‌هایی است که با قاعده فوق مطابقت ندارند. این استخوان‌ها عبارتند از: دنده‌های محاذی قلب، ساعد، کف دست، بند ناخنی انگشت شست دست، بند وسطی سایر انگشتان بند ناخنی سایر انگشتان، ساق پا، بند متصل به کف شست پا، بند متصل به کف پا سایر انگشتان پا، بند وسطی سایر انگشتان پا و بند ناخنی سایر انگشتان پا. لازم به ذکر است تقریباً در نیمی از استخوان‌های دسته دوم، در صورت نادیده‌گرفتن اختلاف تا یک دینار، می‌توان آن‌ها را نیز مشمول قاعده دانست به عنوان مثال دیه شکستگی کف دست چهل دینار بوده و دیه دررفتگی بیست و نیم دینار می‌باشد و همینطور است در مورد استخوان‌های بند ناخنی سایر انگشتان پا، بند وسطی سایر انگشتان پا، بند متصل به کف پا سایر انگشتان پا و بند وسطی سایر انگشتان.

مطلب دیگر این‌که روایت پس از بیان قاعده کلی، در بیان دامنه شمول این قاعده مقرر می‌دارد: «نقل عظامه نصف دیه کسره ... مِمَّا وارت الثَّيَاب من ذلك غير

قصبتی السَّاعِدِ وَ الْأَصَابِعِ؛ دیه دررفتگی استخوان نصف دیه شکستن است، البته در استخوان‌هایی که لباس آن‌ها را می‌پوشاند به استثنای استخوان ساعد و انگشتان.» (کلینی، ۱۴۰۷ ق؛ صدوق، ۱۴۰۹ ق.)

بنابراین دامنه شمول این قاعده تمامی استخوان‌های بدن به استثنای ساعد و انگشتان می‌باشد. با بررسی حدیث ظریف درمی‌یابیم مواردی که با قاعده مطابقت نداشته، همان استخوان‌های انگشتان و ساعد می‌باشد. تنها استخوان دنده در دامنه شمول قاعده بوده، لکن با قاعده مطابقت نداشته و در متن روایت استثنا نشده است. بنابراین تنها استثنای قاعده به دست‌آمده از متون روایی و فقهی را می‌توان استخوان دنده دانست.

استخوان‌هایی که دیه صدمه دررفتگی آن‌ها مطابق استثنا مذکور در قاعده بوده و منطبق با قاعده نمی‌باشند، عبارتند از: ساعد، کف دست، بند ناخنی انگشت شست دست، بند وسطی سایر انگشتان بند ناخنی سایر انگشتان، ساق پا، بند متصل به کف شست پا، بند متصل به کف پا سایر انگشتان پا، بند وسطی سایر انگشتان پا و بند ناخنی سایر انگشتان پا.

هـ - دیدگاه قانون

۱- بررسی مواد قانونی

قانونگذار در ماده ۵۷۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به بیان دیه دررفتگی استخوان‌ها پرداخته است. این ماده مقرر می‌دارد: «دررفتگی استخوان از مفصل، در صورتی که موجب شلل یا از کارافتادگی کامل عضو نگردد، موجب ارش و در غیر این صورت موجب دوسوم دیه همان عضو و در صورت درمان بدون عیب موجب چهارپنجم از دوسوم دیه آن عضو می‌باشد.»

بیان دیه دررفتگی در قانون مصوب ۱۳۹۲ از ابداعات قانونگذار نبوده و مقنن در ماده ۱۵۲ قانون مجازات اسلامی، مبحث دیات مصوب ۱۳۶۱، حکم مذکور در ماده فوق را چنین مقرر داشت: «در جداکردن استخوان از عضو به طوری که آن عضو بی‌فائده گردد دوثلث دیه همان عضو است و اگر بدون عیب درمان شود، دیه آن چهارپنجم دیه اصل جداکردن می‌باشد.» عین این عبارت در ماده ۴۴۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ نیز آمده بود. در قانون مجازات سال‌های ۱۳۶۱ و ۱۳۷۰، صدمه با عنوان «جداکردن» بیان شده و این صدمه در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ با عنوان «دررفتگی» بیان شده است. تغییر تعبیر جداکردن به دررفتگی، حکایت از عدم تفاوت این دو واژه از نظر مقنن دارد.

تفاوت قانون مصوب ۱۳۹۲ با قانون سال‌های گذشته در تعیین ارش برای صدمه دررفتگی در حالت عدم شلل یا از کارافتادگی عضو می‌باشد. مطلبی که در قوانین گذشته به صراحت بیان نشده بود، هرچند امکان برداشت آن با توجه به عدم تعیین دیه برای این حالت و حکم به ارش در موارد عدم تعیین دیه وجود داشت. این حالت بیانگر دیه دررفتگی که موضوع این مقاله است، بوده و مطابق قانون برای این حالت ارش تعیین می‌شود که حکایت از عدم تعیین دیه برای این صدمه در متون فقهی و روایی از نظر مقنن دارد.

از سوی دیگر سازمان پزشکی قانونی در استعلام مراجع قضائی مطابق جدول

زیر در مفاصل اندام فوقانی اقدام به صدور گواهی می‌کند:

ارش	دیه	نوع ضایعه
۳٪	-	نیم‌دررفتگی مفصل استرنوکلاویکولر
۴٪	-	دررفتگی مفصل استرنوکلاویکولر
۷٪	-	دررفتگی استرنوکلاویکولر که منجر به تکرار و عود شود

٪۳	-	دررفتگی مفصل استرنوکلاویکولر با زمینه دررفتگی مکرر قبلی
٪۴	-	دررفتگی آکرومیوکلایکولر
٪۴	-	دررفتگی مفصل شانه (گلنومورال) قدامی یا خلفی یا تحتانی
٪۸	-	دررفتگی مفصل شانه که منجر به تکرار و عود شود
٪۳	-	دررفتگی مفصل شانه با زمینه دررفتگی مکرر قبلی
٪۴	-	دررفتگی آرنج
٪۴	-	دررفتگی مفصل مچ در ناحیه رادیوس و اولنار
٪۲	-	دررفتگی لونیت (کف دستی)
٪۷	-	دررفتگی لونیت + نکروز استخوان
٪۱	-	دررفتگی انگشتان دست

محمدحسین شاکر، حسینعلی بای

در اندام تحتانی سازمان پزشکی قانونی مطابق جدول زیر اقدام به صدور گواهی در صدمه دررفتگی استخوان می‌کند.

ارزش	دیه	نوع ضایعه
٪۱۰	-	دررفتگی مفصل رانی لگنی (قدامی یا خلفی)
٪۱۸	-	دررفتگی مفصل رانی لگنی مرکزی همراه با شکستگی استابولوم
٪۴	-	دررفتگی زانو (بدون در نظر گرفتن آسیب عناصر نگه‌دارنده)
٪۲	-	دررفتگی کشکک

دررفتگی مچ پا	-	٪۴
دررفتگی در استخوان‌های کف پای	-	٪۲
دررفتگی در انگشتان پا	-	٪۱

از آنجا که قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، حکم در رفتگی استخوان‌ها را در فصل مربوط به قواعد عمومی دیه اعضا بیان کرده است، چنین به نظر می‌رسد که مقنن در تنظیم و تقریر ماده ۵۷۱ در نظر داشته است که از نظر فقهایی پیروی کند که دیه در رفتگی را به صورت یک قاعده کلی بیان کرده‌اند، لیکن با عنایت به مواد ۶۵۴ که در آن به دیه دررفتگی استخوان دنده‌ها پرداخته شده است و همچنین ماده ۶۵۷ که متعرض بیان دیه در رفتگی ترقوه شده است، می‌توان گفت که قانونگذار در نیل به این هدف موفق نبوده است و به این ترتیب دیدگاه خاصی را برگزیده که مسبق به سابقه نبوده است.

رویه پزشکی قانونی به عنوان متخصص تعیین صدمه و ارش، با توجه به این که مطابق ماده ۵۷۱ قانون مجازات اسلامی در صدمه دررفتگی بدون شلل حکم به ارش شده صحیح می‌باشد، هرچند جدول فوق بر اساس قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ تهیه شده است، لکن بیان خواهد شد که دیدگاه مقنن در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در مورد این صدمه، تفاوتی جز در نحوه بیان ندارد.

۲- ارزیابی قانون

با وجود اثبات و قطعیت داشتن دیه مقدر در صدمه دررفتگی استخوان، مفاد آن مطابق با نتیجه‌ای که حاصل شد در قانون مجازات بیان نشده است، زیرا ماده ۵۷۱ به بیان سه حکم پرداخته که عبارت است از:

- دررفتگی استخوان از مفصل که موجب شلل یا از کارافتادگی کامل عضو گردد که در این مورد حکم به دوسوم دیه همان عضو می‌شود.

عنوان شلل یا از کارافتادگی کامل که در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مقرر شده و عنوان بی‌فایده‌شدن عضو که در قوانین مجازات سال‌های ۱۳۶۱ و ۱۳۷۰ مقرر شده بود، عبارت‌هایی مترادف بوده که در فقه از آن با عنوان شلل یاد می‌شود و حکم مذکور در ماده ۵۷۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ که در قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۷۰ نیز آمده بود، نسبت به موردی که دررفتگی موجب شلل شده باشد، مورد قبول قریب به اتفاق فقها بوده و برخی ادعای اجماع دارند. در حقیقت دیه دوسومی که در اینجا به ظاهر برای دررفتگی معین شده است، در حقیقت دیه فلج‌شدن است و دیه فلج‌شدن نیز به تصریح فقها دوسوم دیه عضو است. (طوسی، ۱۴۰۷ ق؛ حلبی، ۱۴۰۳ ق؛ طبرسی، ۱۴۰۱ ق؛ آبی، ۱۴۱۷ ق؛ محقق حلی، ۱۴۰۸ ق؛ شهید اول، ۱۴۱۰ ق؛ سیوری، ۱۴۰۴ ق؛ حائری، ۱۲۳۱ ق؛ علامه حلی، ۱۴۲۰ ق؛ کاشانی، بی‌تا؛ نجفی، ۱۴۰۴ ق؛ خمینی، بی‌تا؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳ ق؛ تبریزی، ۱۴۲۸ ق؛ سبزواری، ۱۴۱۳ ق.)

- دررفتگی استخوان از مفصل که موجب شلل یا از کارافتادگی کامل عضو گردد، لکن بدون عیب درمان شود که در این مورد حکم به چهارپنجم از دوسوم دیه آن عضو می‌شود.

در مورد بند ب پس از بررسی متون روایی، مستندی برای آن یافت نشد و از آنجا که ملاک در این بند و بند قبل شل شدن یا از کارافتادگی عضو در دو حالت عدم بهبودی و بهبودی بوده و مربوط به موضوع این مقاله نمی‌باشد از ورود به آن خودداری می‌شود.

- دررفتگی استخوان از مفصل که موجب شلل یا از کارافتادگی کامل عضو نگردد که در این مورد حکم به ارش شده است. بیان شد که این بند موضوع این

نوشتار بوده و اقوال سه‌گانه فقها در ذکر صدمه جابجایی که عبارت از ۱۵٪ دیه عضو، بیان جداگانه دیه صدمه مربوط به هر استخوان و بیان قاعده‌مند دیه صدمه دررفتگی مربوط به این بند است.

بنابراین قانونگذار در ماده ۵۷۱ که قایل به ارزش شده است، ملتزم به هیچ یک از اقوال نشده است. از طرفی مقنن در مواد ۶۵۴ و ۶۵۷ در دو استخوان دنده و ترقوه مطابق اصل ظریف حکم داده که نشان از توجه مقنن به این اصل و عدم التزام به درج تمام محتوی آن در قانون است. گویا مقنن محتوی اصل ظریف را در مورد صدمه دررفتگی، تنها در مورد دو استخوان دنده و ترقوه قبول کرده و در مورد سایر استخوان‌ها با توجه به تعیین دیه مقدر در اصل ظریف، حکم به ارزش داده است.

در دسته‌بندی صدمات گفته شده است که صدمه دررفتگی در مرحله‌ای پایین‌تر از صدمه شکستگی قرار دارد (شاکر، ۱۳۹۴ ش) که لازمه این امر تعیین دیه‌ای پایین‌تر از شکستگی برای دررفتگی می‌باشد، در حالی که مطابق آنچه در ماده آمده است، در برخی موارد، دیه دررفتگی که بدون عیب بهبود یابد، بیشتر از دیه شکستگی می‌شود، به عنوان مثال دیه شکستگی بازو یکصد دینار تعیین شده است و دیه شلل آن سیصد و سی و سه دینار و یک‌سوم دینار تعیین می‌شود و مطابق قاعده مذکور در ماده ۵۷۱ دیه دررفتگی با بهبود کامل چهارپنجم دیه شلل می‌باشد که مبلغ ۲۶۶ دینار و دوسوم دینار به دست می‌آید، یعنی دیه دررفتگی بیش از دو و نیم برابر دیه شکستگی می‌شود، البته بیان شد که تنها حالت ارزش تعیین‌شده در ماده، ناظر به حالت دررفتگی در معنای عرفی بوده و سایر مفاد مذکور در ماده، ناظر به حالت شلل یا از کارافتادگی عضو در حالت بهبودی و عدم بهبودی می‌باشد که ایجاد این حالت را نمی‌توان خاص دررفتگی

دانست. از عبارت مقنن برداشت می‌شود که حالت شلل تنها در صورت دررفتگی ممکن است ایجاد شود، اما مطابق متون فقهی و روایی شلل یا از کارافتادگی در هر صورت، موجب حکم به دیه تعیین شده در ماده ۵۷۱ می‌باشد. همان‌گونه که این حکم در مواد ۵۶۴، ۵۹۵، ۶۰۲، ۶۰۹، ۶۴۴، ۶۴۷ و ۶۶۳ قانون مجازات اسلامی بیان شده است.

پیشنهاد می‌شود مقنن نسبت به درج قاعده دررفتگی و بیان استثنائات آن، یعنی استخوان‌هایی که در متون روایی برای صدمه دررفتگی آن‌ها دیه تعیین شده و مطابق با قاعده دررفتگی نمی‌باشد، در اصلاحات آتی قانون مجازات اقدام کند. در حال حاضر از استثنائات قاعده دررفتگی، تنها دیه دررفتگی دنده مطابق با اصل ظریف در قانون درج شده است.

و - مشکلات اجرایی

- بر فرض قبول این قاعده آیا مفاد آن در مفاصل نزدیک به هم مانند بندهای یک انگشت یا استخوان‌های کف دست صادق است؟ در صورتی که چند استخوان موجود در کف دست دچار صدمه دررفتگی شود، آیا می‌بایست برای هر یک از این صدمات دیه جداگانه تعیین شود؟

مقنن در مواد مختلفی از قانون مجازات اسلامی از جمله مواد ۲۶۵۳۸ و ۲۷۵۷۴ و ۲۸۵۴۱ ق.م.ا؛ اصل عدم تداخل جنایات را پذیرفته است. بنابراین می‌بایست برای هر یک از صدمات دیه جداگانه تعیین نمود. علاوه بر این که:

- عرف دررفتگی تمام بندهای یک انگشت با حالتی که تنها یک بند انگشت دچار دررفتگی شده باشد را یکسان نمی‌بیند. بنابراین در هر حالت می‌بایست با توجه به تعداد صدمات وارده نسبت به تعیین میزان جبران خسارت اقدام شود.

علاوه بر این که متن روایت، میزان دیه در دررفتگی هر یک از استخوان‌ها را بیان می‌کند و با توجه به جدابودن استخوان‌های مذکور در سؤال از یکدیگر، می‌بایست برای هر کدام دیه جداگانه در نظر گرفته شود.

- دررفتگی در قسمت انتهایی هر استخوان و به عبارتی مفصل ایجاد می‌شود، لذا این صدمه حتی در مواردی که چندین استخوان جداگانه کوچک که در یک مکان تجمع شده، مانند کف دست نیز صادق است و می‌بایست برای هر کدام دیه جداگانه در نظر گرفته شود. مشخص بودن این صدمه به ایجاد آن در قسمت مفصل، امکان اشتباه و اختلاف در تشخیص این نوع صدمه با صدمات دیگر را کاهش می‌دهد. مطلبی که در صدمه شکستگی‌های نزدیک به هم با آن مواجه بوده و اختلاف در شکستگی یا کوبیدگی آن وجود داشت، اما ذکر این نکته لازم است که اگر چندین صدمه در قسمت مفصل استخوان واقع شود، به عنوان مثال علاوه بر صدمه دررفتگی، مفصل دچار صدمه شکستگی و موضعه نیز شده باشد، با توجه به اصل عدم تداخل دیات، دیه هر یک از صدمات ثابت خواهد بود.

- نحوه محاسبه دیه دررفتگی استخوان‌هایی که مجموع آن‌ها در عرف به عنوان یک عضو محسوب می‌شود چگونه است؟ به عنوان مثال در صورت دررفتگی هر سه بند از انگشت اشاره که هر بند دارای دیه مستقل است، اما عرف یک بند را عضو به حساب نمی‌آورد، نسبت تعیین شده برای محاسبه دیه صدمات استخوان بر اساس دیه مقدر بند انگشت یا تمام انگشت و یا تمام دست محاسبه می‌شود؟ پاسخ این سؤال منوط به بررسی واژه «عضو» خواهد بود.

در نوشتاری جداگانه گه به بررسی دیه صدمه کوبیدگی پرداختیم، این بررسی صورت گرفته و به این نتیجه رسیدیم که با تأمل و دقت نظر در روایات باب دیات، چنین به نظر می‌رسد که در پیاده کردن قواعدی مانند قواعد مربوط به صدمات

استخوان، اطلاق یا عدم اطلاق عضو به هیچ وجه در نظر شارع موضوعیت نداشته و مورد نظر شارع نبوده است، (بای و همکاران، ۱۳۹۵ ش) لذا بنا بر پذیرش قاعده در صدمه دررفتگی می‌توان مفاد آن را نسبت به هر قسمت از بدن که دارای دیه مقدر است، اعمال نمود.

حال بر فرض موضوعیت داشتن عضو در پاسخ به پرسش قبل باید گفت: عضو در لغت به معنای قطع کردن و جدا کردن آمده است (عبدالرحمان، بی‌تا) و در اصطلاح گوشتی که پوشاننده استخوان بوده (واسطی، ۱۴۱۴ ق.) یا هر استخوانی از بدن که با گوشت پوشیده شده را گویند. (فیومی، بی‌تا؛ فراهیدی، ۱۴۱۰ ق؛ عبدالرحمان، بی‌تا) فقها این واژه را بر هر جزئی از بدن انسان که از اجزای دیگر تمییز داده شده، اطلاق می‌کنند. (عبدالرحمان، بی‌تا) اما از منظر پزشکی، عضو عبارت از قسمت‌های مختلف بدن اعم از دست و پا یا رگ‌ها و نسوج می‌باشد. (شیبانی، ۱۳۹۵ ش). البته با پیشرفت علم و اکتشافات جدید، پیوسته اعضا و اجزای بدن افزون می‌شود تا آنجا که هر سلول بدن عضو شمرده می‌شود. (پورفرهاد، ۱۳۷۱ ش). در فقه تعریفی از عضو یافت نشد و تنها در برخی از فرهنگ‌نامه‌های فقهی اشاره‌ای به تعریف فقه شده که تعاریف مزبور چیزی بیش از معنای لغوی عضو نیست. (بای و همکاران، ۱۳۹۵ ش).

هرچند می‌توان با توجه به تعاریف فوق، اطلاق عضو را به تمام اجزای بدن صحیح دانسته و قاعده دیه دررفتگی را نسبت به تمام استخوان‌های بدن جاری کنیم، لکن مناسب است ملاک را به «دارا بودن دیه مقدر» تغییر داد، به این بیان که اگر در شرع مقدس برای هر قسمت از بدن دیه مقدر باشد، نسبت‌های مذکور در تعیین دیه شکستگی و به تبع آن دیه دررفتگی بر اساس همان دیه تعیین خواهد شد. این تغییر ملاک ما را از مشکلات احتمالی از اختلافات موجود در

تعریف و دامنه شمول واژه عضو می‌رهاند. به عنوان مثال ماده ۵۶۹ ق.م.ا. به تبع نظر مشهور فقها در دیه شکستگی استخوان مقرر می‌دارد: «... دیه شکستن استخوان هر عضو یک‌پنجم دیه آن عضو و اگر بدون عیب درمان شود، چهارپنجم دیه شکستن آن است.» حال اگر استخوان یک بند از یک انگشت شکسته و درمان نشود، سه احتمال می‌توان در تعیین میزان دیه بر اساس ماده ۵۶۹ تصور نمود، در صورتی که عضو را بر بند انگشت صادق بدانیم میزان یک‌پنجم از دیه مقدر برای بند انگشت محاسبه می‌شود و اگر اطلاق عضو را بر تمام انگشت صحیح بدانیم، این میزان از دیه تمام انگشت محاسبه خواهد شد و اگر واژه عضو را بر مچ دست تا انگشتان آن به کار ببریم، میزان مذکور در تعیین دیه شکستگی می‌بایست از دیه دست محاسبه شود که در برخی موارد دیه یک صدمه مانند شکستگی بیش از دیه قطع آن خواهد بود.

نتیجه‌گیری

- ۱- قاعده دیه صدمه دررفتگی استخوان از مستندات محکم روایی و فقهی برخوردار است.
- ۲- قانون مجازات اسلامی دیه صدمه دررفتگی استخوان را نسبت به موردی که دررفتگی عارضی مانند شل و شکستگی را به دنبال نداشته باشد، مطابق متون روایی و فقهی تدوین نکرده است.
- ۳- اکثر فقرات روایت ظریف را می‌توان مستند قاعده دیه دررفتگی استخوان در نظر گرفت، بدون آنکه دچار محذوریت تخصیص اکثر شویم.
- ۴- شایسته است با توجه به لزوم تقریر قانون مجازات اسلامی بر اساس موازین شرعی، ماده‌ای به بیان دیه دررفتگی استخوان - در حالتی که عارضه‌ای ایجاد نشده است - اختصاص یافته و استثنائات آن نیز به صورت شفاف بیان شود.

پی‌نوشت‌ها

۱. ماده ۱۳۶ قانون آیین دادرسی کیفری: «بازپرس برای معاینه جراحات، آثار و علائم ضرب، صدمات جسمی، آسیب‌های روانی و سایر معاینات و آزمایش‌های پزشکی، نظر پزشک قانونی را أخذ یا حسب مورد، از وی دعوت می‌کند. اگر پزشک قانونی نتواند حضور یابد و یا در جایی پزشک قانونی نباشد، پزشک متخصص معتمد دعوت می‌شود.»

2. Dislocation

۳. و فی الترقوة إذا انكسرت فجبرت على غير عثم و لا عيب أربعون ديناراً... فإن نقل منها العظام فديتها نصف دية كسرها عشرون ديناراً.
۴. و فی الأضلاع فيما خالط القلب من الأضلاع إذا كسر منها ضلع فديته خمسة و عشرون ديناراً... و دية نقل عظامها سبعة دنانير و نصف.
۵. فی الأضلاع ممّا يلي العضدين دية كلّ ضلع عشرة دنانير إذا كسر... و دية نقل عظامه خمسة دنانير.
۶. دية المنكب إذا كسر خمس دية اليد مائة دينار... فإن نقلت منه العظام فديته مائة دينار و خمسة و سبعون ديناراً منها مائة دينار دية كسره و خمسون ديناراً لنقل عظامه و خمسة و عشرون ديناراً لموضحته.
۷. فی العضد إذا انكسر فجبر على غير عثم و لا عيب فديتها خمس دية اليد مائة دينار... و دية نقل عظامها نصف دية كسرها خمسون ديناراً.
۸. فی الساعد إذا كسر فجبر على غير عثم و لا عيب ثلث دية النفس ثلاثمائة و ثلاثة و ثلاثون ديناراً و ثلث دينار، فإن كسر إحدى القصبتين من الساعدين فديتها خمس دية اليد مائة دينار... و دية نقل عظامها مائة دينار و ذلك خمسة دية اليد.
۹. فی المرفق إذا كسر فجبر على غير عثم و لا عيب فديته مائة دينار... و لنقل العظام خمسون ديناراً.
۱۰. فی الكفّ إذا كسرت فجبرت على غير عثم و لا عيب فديتها أربعون ديناراً... و دية نقل عظامها عشرون ديناراً و نصف دينار.
۱۱. دية قصبه الإبهام التي فی الكفّ تجبر على غير عثم خمس دية الإبهام ثلاثة و ثلاثون ديناراً و ثلث دينار إذا استوى جبرها و ثبت.
۱۲. و دية المفصل الثاني من أعلى الإبهام إن كُسر فجبر على غير عثم و لا عيب ستّة عشر ديناراً و ثلثا دينار... و دية نقل عظامها خمس دنانير.
۱۳. و دية كسر كلّ مفصل من الأصابع الأربع التي تلي الكفّ ستّة عشر ديناراً و ثلثا دينار... و فی نقل عظامها ثمانية دنانير و ثلث دينار.

۱۴. دية المفصل الأوسط من الأصابع الأربع... في كسره أحد عشر ديناراً و ثلث دينار... و في نقل عظامه خمسة دنائير و ثلث دينار.
۱۵. و في كسره المفصل الأعلى من الأصابع الأربع خمسة دنائير و أربعة أخماس دينار... و في نقل عظامه خمسة دنائير و ثلث.
۱۶. في الزرک إذا كسیر فُجِبِرَ عَلَى غَيْرِ عَظْمٍ وَ لَا عَيْبٍ خُمُسُ دِيَةِ الرَّجْلَيْنِ مِائَتَا دِينَارٍ... دية نقل عظامه مائة و خمسة و سبعون ديناراً، لكسرها مائة دينار، و لنقل عظامها خمسون ديناراً و لموضحتها خمسة و عشرون ديناراً.
۱۷. و في الفخذ إذا كسرت فجبرت على غير عظم و لا عيب خمس دية الرجلين مائتا دينار... و دية نقل عظامها نصف دية كسرها مائة دينار.
۱۸. في الركبة إذا كسرت و جبرت على غير عظم و لا عيب خمس دية الرجلين مائتا دينار... و دية نقل عظامها مائة دينار و خمسة و سبعون ديناراً، منها دية كسرها مائة دينار، و في نقل عظامها خمسون ديناراً و في موضحتها خمسة و عشرون ديناراً.
۱۹. في الساق إذا كسرت فجبرت على غير عظم و لا عيب خمس دية الرجلين مائتا دينار... و في نقل عظامها ربع دية كسرها خمسون ديناراً.
۲۰. في القدم إذا كسرت فجبرت على غير عظم و لا عيب خمس دية الرجل (الرجلين) مائتا دينار... و في نقل عظامها مائة دينار نصف دية كسرها.
۲۱. دِيَةُ كَسْرِ قَصَبَةِ الْإِبْهَامِ الَّتِي تَلِي الْقَدَمَ خُمُسُ دِيَةِ الْإِبْهَامِ سِتَّةٌ وَ سِتُّونَ دِينَاراً وَ ثُلُثَا دِينَارٍ وَ فِي نَقْلِ عِظَامِهَا سِتَّةٌ وَ عِشْرُونَ دِينَاراً وَ ثُلُثَا دِينَارٍ.
۲۲. دية المفصل الأعلى من الإبهام (في القدم) و هو الثاني الذي فيه الظفر ستة عشر ديناراً و ثلثا دينار... و في نقل عظامه ثمانية دنائير و ثلث.
۲۳. دِيَةُ كَسْرِ كُلِّ مَفْصِلٍ مِنَ الْأَصَابِعِ الْأَرْبَعِ الَّتِي تَلِي الْقَدَمَ سِتَّةٌ عَشَرَ دِينَاراً وَ ثُلُثُ دِينَارٍ... وَ دِيَةُ نَقْلِ عِظَامِ كُلِّ قَصَبَةٍ مِنْهُنَّ ثَمَانِيَةُ دَنَائِيرٍ وَ ثُلُثُ دِينَارٍ.
۲۴. وَ فِي الْمَفْصِلِ الْأَوْسَطِ مِنَ الْأَصَابِعِ الْأَرْبَعِ... دِيَةُ كَسْرِهِ أَحَدَ عَشَرَ دِينَاراً وَ ثُلُثَا دِينَارٍ... وَ دِيَةُ نَقْلِ عِظَامِهِ خَمْسَةُ دَنَائِيرٍ وَ ثُلُثَا دِينَارٍ.
۲۵. وَ فِي الْمَفْصِلِ الْأَعْلَى مِنَ الْأَصَابِعِ الْأَرْبَعِ الَّتِي فِيهَا الظُّفْرُ... دِيَةُ كَسْرِهِ خَمْسَةُ دَنَائِيرٍ وَ أَرْبَعَةُ أَخْمَاسٍ... وَ دِيَةُ نَقْلِ عِظَامِهِ دِينَارَانِ وَ خُمُسُ دِينَارٍ.
۲۶. ماده ۵۳۸: در تعدد جنایات، اصل بر تعدد دیات و عدم تداخل آنها است، مگر مواردی که در این قانون خلاف آن مقرر شده است.

۲۷. ماده ۵۷۴: هر گاه بر اثر یک یا چند ضربه، علاوه بر دررفتگی مفصل، استخوان نیز بشکند یا ترک بخورد، دو جنایت محسوب می‌شود و هر یک دیه یا ارش جداگانه دارد. اگر بر اثر ضربه‌ای، هم استخوان بشکند و هم جراحی مانند موضعه یا نافذه و یا جائفه در بدن ایجاد شود نیز این حکم جاری است.

۲۸. ماده ۵۴۱: هرگاه در اثر یک ضربه یا هر رفتار دیگر، آسیب‌های متعدد در اعضای بدن به وجود آید، چنانچه هر یک از آن‌ها در اعضای مختلف باشد یا همه در یک عضو بوده، ولی نوع هر آسیبی غیر از نوع دیگری باشد و یا از یک نوع بوده، ولكن در دو یا چند محل جداگانه از یک عضو باشد، هر آسیب دیه جداگانه دارد.

فهرست منابع

منابع فارسی:

- بای، حسینعلی. شاکر، محمدحسین. (۱۳۹۵ ش.). بررسی دیه کوبیدگی استخوان در مقارنه فقه و قانون. *مجله فقه و حقوق اسلامی*. در دست چاپ.
- برونر، سودارث. (۱۳۹۰ ش.). *ارتوپدی/ پرستاری داخلی و جراحی*. مترجم فریب نصیری زیبا، تهران: نشر جامعه‌نگر - سالمی، یک جلدی، چاپ اول، ص ۱۲۸.
- پورفرهاد، مسعود. (۱۳۷۱ ش.). *کالبدشناسی انسانی. فصلنامه فقه پزشکی*. سال هشتم، شماره بیست و ششم و بیست و هفتم، ص ۱۴۰.
- زمخشری، محمود بن عمر. (۱۳۸۶ ش.). *مقدمه الأدب*. تهران: موسسه مطالعات اسلامی دانشگاه تهران - تهران، یک جلدی، چاپ اول، ص ۶۷۱.
- شاکر، محمدحسین. (۱۳۹۴ ش.). *بررسی دیه صدمات مربوط به استخوان*. قم: دانشگاه قم، ص ۵۱.
- هانری، فردریک. (۱۳۳۲ ش.). *اصول فیزیولوژی عمومی*. مترجم عبدالله شیبانی، تهران: دانشگاه تهران، ص ۴.

منابع عربی:

قرآن کریم.

- ابن منظور، ابوالفضل جمال‌الدین محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ ق.). *لسان العرب*. بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع - دار صادر، پانزده جلدی، جلد یازدهم، چاپ سوم، ص ۶۷۴.

- اصفهان، محمدتقی (مجلسی اول). (۱۴۰۶ ق.). *روضة المتقين فی شرح من لا یحضره الفقیه*. قم: مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانبور، سیزده جلدی، جلد دهم، چاپ دوم، ص ۲۴۹.
- اصفهان، محمدباقر بن محمدتقی (مجلسی دوم). (۱۴۰۴ ق.). *مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول*. ۲۶ جلد، تهران: دارالکتب الإسلامیه، بیست و شش جلد، جلد بیست و چهارم، چاپ دوم، ص ۱۱۸.
- بغداد، محمد بن محمد بن نعمان عکبری (شیخ مفید). (۱۴۱۳ ق.). *المقنعة*. قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، یک جلدی، چاپ اول، ص ۷۶۸.
- تبریزی، جواد بن علی. (۱۴۲۸ ق.). *تنقیح مبانی الأحکام - کتاب الدیات*. قم: دارالصدیقة الشهیدة سلام الله علیها، یک جلدی، چاپ اول، صص ۱۸۲، ۲۹۴.
- حسینی روحانی قمی، سیدصادق. (۱۴۱۲ ق.). *فقه الصادق (ع)*. ۲۶ جلد، قم: دارالکتب - مدرسه امام صادق (ع)، بیست و شش جلدی، جلد بیست و ششم، چاپ اول، ص ۲۹۵.
- حلبی، حمزة بن علی حسینی (ابن زهره). (۱۴۱۷ ق.). *غنیة النزوع إلى علمی الأصول و الفروع*. قم: مؤسسه امام صادق (ع)، یک جلدی، چاپ اول، ص ۴۱۹.
- حلبی، ابوالصلاح، تقی‌الدین بن نجم‌الدین. (۱۴۰۳ ق.). *الکافی فی الفقه*. اصفهان: کتابخانه عمومی امام امیرالمؤمنین (ع)، یک جلدی، چاپ اول، ص ۳۹۸.
- حلی، محمد بن منصور بن احمد (ابن ادریس). (۱۴۱۰ ق.). *السرائر الخاوی لتحریر الفتاوی*. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، سه جلدی، جلد سوم، چاپ دوم، ص ۴۱۱.
- محقق حلی، نجم‌الدین جعفر بن حسن. (۱۴۰۸ ق.). *شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام*. قم: مؤسسه اسماعیلیان، چهار جلدی، جلد چهارم، چاپ دوم، صص ۲۵۱، ۲۵۴.
- علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی. (۱۳۸۱ ق.). *رجال العلامة - خلاصة الأقوال*. نجف: منشورات المطبعة الحیدریة، یک جلدی، چاپ دوم، ص ۹۱.
- علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی. (۱۴۲۰ ق.). *تحریر الأحکام الشرعیة علی مذهب الإمامیة (ط) - الحدیثة*. قم: مؤسسه امام صادق (ع)، شش جلدی، جلد پنجم، چاپ اول، ص ۶۲۱.

علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی. (۱۴۱۳ ق.). قواعد الأحكام فی معرفة الحلال و الحرام. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، سه جلدی، جلد سوم، چاپ اول، ص ۶۸۱.

حلی، مقداد بن عبدالله سیوری. (۱۴۰۴ ق.). التنقیح الرائع لمختصر الشرائع. قم: انتشارات کتابخانه آیت... مرعشی نجفی، چهار جلدی، جلد چهارم، چاپ اول، ص ۵۰۱.

حمزة بن عبدالعزیز دیلمی (سار). (۱۴۰۴ ق.). المراسم العلویة و الأحكام النبویة. قم: منشورات الحرمین، یک جلدی، چاپ اول، ص ۲۴۸.

سبزواری، سیدعبدالأعلی. (۱۴۱۳ ق.). مهذب الأحكام. قم: مؤسسه المنار، سی جلدی، جلد بیست و نهم، چاپ چهارم، صص ۴۷، ۲۵۰، ۲۹۳.

سبزواری، علی مؤمن قمی. (۱۴۲۱ ق.). جامع الخلاف و الوفاق. قم: زمینه‌سازان ظهور امام عصر (ع)، یک جلدی، چاپ اول، ص ۵۷۳.

صدوق، محمد بن علی بن بابویه قمی. (۱۴۰۹ ق.). من لا یحضره الفقیه. مترجم علی‌اکبر و محمدجواد غفاری و صدر بلاغی، تهران: نشر صدوق، شش جلدی، جلد چهارم، چاپ اول، صص ۷۵، ۷۹.

طباطبایی حائری، سیدعلی بن محمد. (۱۲۳۱ ق.). ریاض المسائل (ط - القدیمة). قم: مؤسسه آل‌البتیت علیهم‌السلام، دو جلدی، جلد دوم، چاپ اول، ص ۵۵۸.

طبرسی، فضل بن حسن (امین‌الاسلام). (۱۴۱۰ ق.). المؤلف من المختلف بین أئمة السلف. مشهد: مجمع البحوث الإسلامیة، دو جلدی، جلد دوم، چاپ اول، ص ۳۴۵.

طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن. (بی‌تا). الفهرست. نجف: المكتبة الرضویة، یک جلدی، چاپ اول، ص ۲۶۱.

طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن. (۱۴۰۷ ق.). تهذیب الأحكام. تهران: دارالکتب الإسلامیة، ده جلدی، جلد دهم، چاپ چهارم، صص ۱۶۹، ۲۹۵.

طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن. (۱۴۰۷ ق.). الخلاف. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، شش جلدی، جلد پنجم، چاپ اول، ص ۲۴۹.

طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن. (۱۴۰۰ ق.). النهایة فی مجرد الفقه و الفتاوی. بیروت: دارالکتب العربی، یک جلدی، چاپ دوم، صص ۷۷۶-۷۷۷.

- حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹ ق.). *وسائل الشیعة*. قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام، سی جلدی، جلد بیست و نهم، چاپ اول، ص ۳۷۸.
- عاملی، محمد بن مکی (شهید اول). (۱۴۱۰ ق.). *اللمعة الدمشقیة فی فقه الإمامیة*. بیروت: دارالتراث - الدار الإسلامیة، یک جلدی، چاپ اول، ص ۲۸۲.
- عاملی، محمد بن مکی (شهید اول). (۱۴۱۴ ق.). *غایة المراد فی شرح نکت الإرشاد*. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چهار جلدی، جلد چهارم، چاپ اول، ص ۵۳۷.
- عاملی، زین‌الدین بن علی (شهید ثانی). (۱۴۱۳ ق.). *مسالك الأفهام إلی تنقیح شرائع الإسلام*. قم: مؤسسه المعارف الإسلامیة، پانزده جلدی، جلد پانزدهم، چاپ اول، ص ۴۶۴.
- عبدالرحمان، محمود. (بی‌تا). *معجم المصطلحات و الألفاظ الفقهیة*. سه جلدی، جلد اول: ص ۲۳۵؛ جلد دوم: ص ۵۱۱.
- فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۱۰ هـ ق.). *کتاب العین*. قم: هجرت، هشت جلدی، جلد دوم: ص ۱۹۳؛ جلد پنجم: ص ۱۶۲.
- فیض کاشانی، محمد محسن ابن شاه مرتضی. (بی‌تا). *مفاتیح الشرائع*. قم: انتشارات کتابخانه آیت‌ا... مرعشی نجفی، سه جلدی، جلد دوم، چاپ اول، ص ۱۴۵.
- فیومی، احمد بن محمد. (بی‌تا). *المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی*. قم: منشورات دار الرضی، یک جلدی، چاپ اول، ص ۴۱۶.
- کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ ق.). *الکافی (ط - الإسلامیة)*. تهران: دارالکتب الإسلامیة، هشت جلدی، جلد هفتم، چاپ چهارم، صص ۳۲۴، ۳۲۷، ۳۳۰.
- کیدری، قطب‌الدین محمد بن حسین. (۱۴۱۶ ق.). *إصباح الشیعة بمصباح الشریعة*. قم: مؤسسه امام صادق (ع)، یک جلدی، چاپ اول، ص ۵۰۸.
- مدنی کاشانی، حاج‌آقارضا. (۱۴۰۸ ق.). *کتاب الدیات*. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، یک جلدی، چاپ اول، ص ۲۲۶.
- موحدی لنکرانی، محمدفاضل. (۱۴۱۸ ق.). *تفصیل الشریعة فی شرح تحریر الوسیلة - الدیات*. قم: مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم‌السلام، یک جلدی، چاپ اول، صص ۲۱۰، ۲۱۶، ۲۶۱.

- موسوی خمینی، سیدروح‌الله. (بی تا). *تحریر الوسیلة*. قم: مؤسسه مطبوعات دارالعلم، دو جلدی، جلد دوم، چاپ اول، ص ۵۹۶.
- موسوی خویی، سیدابوالقاسم. (۱۴۱۰ ق.). *معجم رجال الحديث و تفصیل طبقات الرجال*. قم: مرکز نشر آثار شیعه، بیست و سه جلدی، جلد نهم، ص ۱۷۴.
- موسوی خویی، سیدابوالقاسم. (۱۴۲۲ ق.). *مبانی تکملة المنهاج*. قم: مؤسسه الإحيای آثار الإمام الخوئی، دو جلدی، جلد دوم، چاپ اول، صص ۳۷۸، ۴۱۳.
- نجاشی، احمد بن علی. (۱۴۰۷ ق.). *رجال النجاشی*. قم: انتشارات جامعه مدرسین، دو جلد در یک مجلد، ص ۲۰۹.
- نجفی، محمدحسن. (۱۴۰۴ ق.). *جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام*. بیروت: دارالإحيای التراث العربی، چهل و سه جلدی، جلد چهل و سوم، چاپ هفتم، صص ۲۶۵، ۳۴۸.
- محدث نوری، میرزاحسین. (۱۴۱۷ ق.). *خاتمة المستدرک*. قم: مؤسسه آل‌البيت علیهم‌السلام، نه جلدی، جلد اول، چاپ اول، ص ۱۰۶.
- واسطی، محب‌الدین سیدمحمدمرتضی. (۱۴۱۴ ق.). *تاج العروس من جواهر القاموس*. بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع، بیست جلدی، جلد نوزدهم، چاپ اول، ص ۶۸۳.
- یوسفی آبی، فاضل حسن بن ابی طالب. (۱۴۱۷ ق.). *کشف الرموز فی شرح مختصر النافع*. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دو جلدی، جلد دوم، چاپ سوم، ص ۶۵۸.

یادداشت شناسه مؤلفان

محمدحسین شاکر: کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی از دانشگاه قم، قم، ایران. (نویسنده مسؤول)

پست الکترونیک: mhshaker@chmail.ir

حسینعلی بای: مربی، عضو هیأت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم، ایران.

A comparative study of the rule of bone dislocation in Figh and statutory law

Mohammad Hosein Shaker

Hosein Ali By

Abstract

Injuries to the bones can sometimes appear in the form of broken bones, sometimes in the form of comminuted bones, and occasionally in the form of fractured bones. Bone dislocation is also another type of injury to the bones that is considerably controversial among Islamic jurists in terms of whether the injuries are curable or not. At this issue, some jurists have extended their judgment of skull bone dislocation to the other bones of the body while some other jurists, drawing upon the words of Zarif -Ibn- Naseh, have defined certain recompense for each bone dislocation which distinguishes it from other bones' dislocation. Some others have declared the recompense for this injury in terms of a rule, and believe bone dislocation accounts for as much as half of the compensation for the same broken part. The legislator, therefore, according to the controversies, does not follow a single procedure. Due to the importance of the issue, the present article, using the library research method and taking an analytic and descriptive approach, investigates the perspectives of the Islamic Law, their evidence and documents, and the legislator's perspective on this issue and at the end makes some suggestions in order to reform the status quo.

Keywords

Recompense for Bones, Recompense for Dislocation, Bone Dislocation, Bone Movement